



Recognition of Musnad Rabi 'ibn Habib; From the hadith texts of Abadiyya*

Saeed Tavousi Masroor ¹

Bashir Salimi ²

Abstract

The book of Rabi 'ibn Habib is the most important book of hadith of the Ibadiyya religion, which contains some different chapters of jurisprudence, belief and interpretation. The purpose of this article is to identify and study the position of Rabi 'ibn Habib, which has been processed on it very little attention. The possibility of being forgery is one of the most important issues regarding this book, which has been raised by some of the Sunni contemporaries, such as Muhammad Nasser al-Din al-Albani and Egyptian knowledgeable Khalid ibn Abd al-Rahman ibn Zaki. Our method in this article, in addition to reviewing the documents and the content of the book, is to review the previous and later sources and also new research in different languages that has been done about this document, in addition, the author is introduced and his scientific life is examined. He findings show that the Musnad of Rabi 'ibn Habib is the most important text of the Ibadiyya hadith and it is difficult to prove its falsity and baselessness. This book was most likely compiled by a student of one of Rabi's students and was not compiled by him.

Keywords: Rabi 'ibn Habib Azdi, Musnad of Rabi' ibn Habib, Abu Ya'qub Yusuf ibn Ibrahim and Rajlani, Kharijites, Ibadiyyah's research.

*. **Date of receiving:** 1 March 2020, **Date of approval:** 26 November 2020.

1. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies Shiite group , Allameh Tabatabai University, Iran-Tehran: saeed.tavoosi@gmail.com.

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Islamic Azad University, Iran-Karaj: salimibashir@yahoo.com



بازشناسی مسند ربیع بن حبیب؛ از متون حدیثی اباضیه*

سعید طاوسی^۱ و بشیر سلیمی^۲

چکیده

کتاب ربیع بن حبیب مهم‌ترین کتاب حدیثی مذهب اباضیه است که برخی از باب‌های گوناگون فقهی، اعتقادی و تفسیری را در بر دارد. هدف این مقاله، شناخت و بررسی مسند ربیع بن حبیب بوده که بسیار کم به آن پرداخته شده است. احتمال جعلی بودن آن، یکی از مسائل مهم درباره این مسند می‌باشد که بیشتر از سوی برخی معاصران اهل تسنن مانند محمد ناصرالدین البانی و خالد بن عبدالرحمن بن زکی مصری مطرح شده است. روش ما در این مقاله، در کنار مرور اسانید و محتوای کتاب، بررسی منابع پیشین، پسین و تحقیقات جدید به زبان‌های مختلف بوده که درباره این مسند انجام شده است؛ به علاوه به معرفی مؤلف و بررسی حیات علمی وی نیز پرداخته می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسند ربیع بن حبیب مهم‌ترین متن حدیثی اباضیه بوده و اثبات جعلی و بی‌اساس بودن آن دشوار است. این کتاب به احتمال فراوان تدوین شاگرد یکی از شاگردان ربیع بوده و به دست وی گردآوری نشده است.

واژگان کلیدی: اباضیه، حدیث، ربیع بن حبیب ازدی، مسند ربیع بن حبیب، ابویعقوب یوسف بن ابراهیم و رجلانی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶.

۱. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران - ایران (نویسنده مسئول):
saeed.tavoosi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی کرج - ایران:
salimibashir@yahoo.com



مقدمه

اباضیه، یا اباضیه، مذهب است منسوب به عبدالله بن اباض تیممی (ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۳۹/۱-۴۲) است که امروزه مرکز آنان کشور عمان است. برخی پیروان این مذهب در مناطقی از لیبی، تونس و الجزایر ساکنند و اقلیتی هم در زنگبار. گرچه اباضیان را از خوارج دانسته‌اند، اما آنان اختلافات مهمی با خوارج دارند؛ به‌طور مثال، در مسائلی چون امامت، تقیه (ملک مکان، «امامت و حکومت از منظر اباضیه»، ۱۳۸۴: ۲۰۱، ۲۰۵ و ۲۲۱) و حفظ احترام امام علی (علیه السلام) (ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۳۱۱) و اغلب متأخران اباضیه از اینکه خود را از خوارج بدانند، ابا دارند (روحی و غفرانی، «نقش و جایگاه فکری و سیاسی نکیار در میان خوارج شمال آفریقا»، ۱۳۹۷: ۱۱۳). اباضیه خود را اهل الحق، اهل الدعوه، اصحاب الدعوه، اهل الوفاق، و مذهب یا فرقه خود را الدعوه، مذهب الحق، فرقه المحقه و فرقه الناجیه می‌خوانند (جلالی مقدم، «اباضیه»، ۱۳۶۷: ۳۰۹/۲ و ۳۳۲؛ ایازی، «تفاسیر اباضیه»، ۱۳۷۴: ۱۴۰ و ۱۴۵؛ جعفر طیار و شبانی، «بررسی و نقد مهم‌ترین عقاید اباضیه و مقایسه آن با عقاید امامیه»، ۱۳۹۵: ۲۶ و ۲۹؛ قاسمی و اسفندیاری، «تجدید بنای پایه‌های نظری فقه اباضیه در دوره معاصر»، ۱۳۹۸: ۳۱۸ و ۳۳۴؛ Lewicki, 1998, vol. 3, pp. 648–660).

طبعاً برای شناخت هر مذهب و بررسی تاریخ اندیشه پیروان آن، باید مهم‌ترین متون مرجع آن مذهب را شناخت. ربیع بن حبیب مهم‌ترین محدث اباضیه و صاحب جامع صحیح یا مسند مشهور اباضیان است. اعتقاد اباضیان به مسند ربیع تا جایی است که عبدالله بن حمید سالمی (د ۱۳۳۲) از مشایخ اباضیه آن را صحیح‌ترین کتب حدیث از لحاظ روایت و برترین این کتب از لحاظ سند می‌خواند و آن را پس از قرآن صحیح‌ترین کتاب می‌شمارد (جلالی مقدم، «اباضیه»، ۱۳۶۷: ۳۱۳/۲). از این رو برای شناخت اباضیه و بررسی تاریخ آن در ابعاد مختلف مانند تاریخ اندیشه و تاریخ اجتماعی، باید مسند ربیع بن حبیب را مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

از آنجا که مسند ربیع بن حبیب به‌عنوان یک متن حدیثی منسوب به قرن دوم هجری، به نسبت متون حدیثی کهن اهل تسنن و شیعه بسیار کمتر شناخته شده، در نوشتار حاضر به معرفی ربیع بن حبیب و بررسی کتاب مسند وی پرداخته شده است. مهم‌ترین بحث درباره این کتاب، بحث اصالت آن است و پاسخ دادن به این مسئله که آیا متنی که به نام مسند ربیع بن حبیب شناخته می‌شود، متنی اصیل بوده یا ساخته دوره‌ای متأخرتر از روزگار حیات ربیع بن حبیب است؟ پاسخ برخی از اهل تسنن و اسلام‌پژوهان غربی به این سؤال این است که این متن اصالت ندارد و جعلی است اما ما کوشیده‌ایم این پاسخ را به چالش بکشیم.



درباره مسند ربیع بن حبیب، آثار مستقل بسیار اندکی نوشته شده که در این تحقیق به برخی از مهم‌ترین آن‌ها مانند مقاله فرانچسکا به زبان ایتالیایی و مقاله تنوخی به زبان عربی استناد شده است. در این میان کتاب «تحذیر المسلمین عن مسند الربیع»، نوشته خالد بن عبدالرحمن بن زکی مصری که در سال ۲۰۰۹ میلادی منتشر شده و با حجم قریب به ۴۰۰ صفحه، ظاهراً مفصل‌ترین اثری بوده که درباره مسند ربیع نوشته شده است. این اثر ردی است بر اعتبار این مسند از نگاه اهل تسنن و رویکرد آن با پژوهش حاضر کاملاً متفاوت است و در این نوشتار نکاتی ناظر به آن نیز ارائه شده است.

الف) ربیع بن حبیب و جایگاه او نزد اباضیه

ابوعمر و ربیع بن حبیب بن عمر (عمرو) فراهیدی از دی عمانی در منطقه الباطنة از توابع غضفان واقع در ولایت لوی عمان زاده شد و پرورش یافت و برای طلب علم به بصره (از مراکز مهم اباضیه در آن روزگار) رفت و در محله‌ای به نام حرابه که احتمالاً محل اقامت اباضیان بصره بوده، ساکن شد و پس از اتمام تحصیلات به عمان بازگشت و در موطن خود ساکن شد (سیابی سمانلی، ازالة الوعشاء عن اتباع ابي الشعثاء، ۱۹۷۹: ۴۰؛ حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۴۹؛ ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۷۸/۱).

در منابع ترجمه او تاریخ ولادت و وفات وی ثبت نشده، اما ظاهراً بین سال‌های حدود ۷۵ تا ۱۸۱ می‌زیسته است؛ زیرا در جوانی با جابر بن زید (م ۹۲) دیدار کرده و پس از وفاتش موسی بن ابی جابر (د ۱۸۱) بر او نماز خوانده است. (حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۴۹؛ ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۷۸/۱؛ قتیبه، نظرات حول المذهب الاباضی، ۱۴۱۲: ۲۲ و ۲۳؛ قشار، اللعة المرضیئة فی تاریخ الاباضیه، ۱۴۱۱: ۱۲ و ۱۳) گفتنی است مهدی طالب هاشم (الحركة الاباضية فی المشرق العربی، ۱۴۰۱: ۳۲۵) بر اساس یک نسخه خطی سال وفات وی را ۱۷۰ ثبت کرده است اما از آنجا که عبدالوهاب بن عبدالرحمن در سال ۱۷۱ به امامت اباضیان مغرب رسیده (روحی و غفرانی، «نقش و جایگاه فکری و سیاسی نُکیار در میان خوارج شمال آفریقا»، ۱۳۹۷: ۱۱۳) و استفتای وی از ربیع بن حبیب مشهور است، وفات ربیع باید پس از این استفتا یعنی در سال ۱۷۱ یا پس از آن باشد. حسن مزو، وفات وی را در ۱۷۵ دانسته است (مزو، الازدی، ابوعمر و الربیع بن حبیب، ۱۴۲۵: ۵۰۵/۱) که بسیار محتمل به نظر می‌رسد. قبر ربیع در زادگاهش، ولایت لوی عمان قرار دارد (مناظره...، بی‌تا، ۸).



ربیع بعد از جابر بن زید و ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه تمیمی،^[۱] سومین امام اباضیه شد (ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۴۸/۱ و ۷۸) و آنان به او زکات پرداخت می‌کردند. او با ابو عبیده مصاحبت داشته و نقل شده که ابو عبیده در باب وی چنین می‌گفت: «او امین و مورد اعتماد ماست». آورده‌اند که ابو عبیده گاهی ربیع را به جای خود به عنوان پیشوای حاجیان اباضی به حج می‌فرستاد (ابن سلیم، بدء الاسلام و شرائع الدین، ۱۴۰۶: ۱۱۰). ظاهراً ابو عبیده در اواخر عمر فلج شده بود و در این دوران علاوه بر وی اباضیان در مسائل شرعی خود به ربیع نیز رجوع می‌کردند تا آن که با وفات ابو عبیده علمای اباضیه از مغرب، حضرموت، عمان، بصره، خراسان، سند و مصر همگی پیشوایی ربیع را پذیرفتند (حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۵۱ و ۱۵۳؛ خلیفات، نشأة الحركة الاباضیه، ۱۹۷۸: ۱۱۰ و ۱۲۸؛ قتیبه، نظرات حول المذهب الاباضی، ۱۴۱۲: ۲۳؛ قشار، اللعنة المرضیئة فی تاریخ الاباضیه، ۱۴۱۱: ۱۳). این احتمال وجود دارد که ربیع از تابعیان باشد؛ زیرا گفته می‌شود انس بن مالک را درک کرده است (حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۴۹). درجینی و شماخی از علمای اباضیه، ربیع را با عباراتی چون «بحرالعلوم» ستوده‌اند (درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، ۱۹۷۴: ۲۷۳/۲؛ شماخی، کتاب السیر، ۱۴۰۷: ۹۵/۱). گفتنی است پدر وی، حبیب از شاگردان جابر بن زید معرفی شده است (حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۵۰).

ربیع نزد اباضیان فقیه نامداری بوده و از خود وی منقول است که فقه را از سه نفر فراگرفتم؛ ابو عبیده، ابونوح صالح بن نوح دهان بصری عمانی و ضمام بن سائب ازدی عمانی (درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، ۱۹۷۴: ۲۷۶/۲). هرچند او شاگردی حدود ۲۵ شیخ یا بیشتر را تجربه کرد (سالمی، تنبیهات، ۱۴۱۵: ۲؛ مزویو، الازدی، ابو عمرو الربیع بن حبیب، ۱۴۲۵: ۵۰۵/۱) اما بیشتر علم خود را از ضمام که از شاگردان جابر بن زید بوده، اخذ کرده است (جابر سهیل، الاباضیه فی الخلیج العربی فی القرنین الثالث والرابع الهجریین، ۱۴۱۸: ۳۴؛ حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۵۰؛ قتیبه، نظرات حول المذهب الاباضی، ۱۴۱۲: ۲۲ و ۲۳). در یک تقسیم‌بندی ربیع بن حبیب و استادش ضمام و ابو منصور خراسانی در طبقه هشتم راویان مذهب اباضی قرار گرفته‌اند (عرب، آشنایی با مذهب اباضی، ۱۳۷۷: ۵۳ و ۵۴).

ابوسفیان محبوب بن رحیل قرشی بصری (ربیب ربیع و جانشین وی پس از مرگش و از امامان پنهان اباضیه)، موسی بن ابی جابر ازکوی (د ۱۱ محرم ۱۸۱)، ابوالمنذر بشیر بن منذر نزوانی معروف به شیخ کبیر (د ۱۸۷)، منیر بن نیر ریامی جعلانی، و محمد بن معلی فشحی کندی (د قرن دوم) از شاگردان عمانی ربیع بن حبیب هستند (جابر سهیل، الاباضیه فی الخلیج العربی فی القرنین الثالث



والرابع الهجريين، ١٤١٨: ٣٥؛ جعبي، البعد الحضاري للعقيدة الاباضية، ١٤٢٥: ١٠٨؛ حارثي، العقود الفضية في اصول الاباضيه، ١٤٠٣: ١٥٤؛ ضيايي، تاريخ اباضيه، ١٣٩٨: ٤٨/١؛ هاشم، الحركة الاباضية في المشرق العربي، ١٤٠١: ٣٢٥) و ابويوب وائل بن ايوب از اهالي حضموت و هاشم بن عبدالله خراساني نیز از شاگردان غير عمانی او به شمار می روند (ضيايي، معجم مصادر الاباضية، ١٤٢٤: ١٨). از اين میان وائل بن ايوب حضرمي تالی تلوربيع محسوب می شد (شماخي، کتاب السير، ١: ٩٧/١٤٠٧) و از یکی از مشايخ اباضی نقل شده که پس از وفات ربيع مردم را به پیروی از وائل توصیه می کرد (درجینی، طبقات المشايخ بالمغرب، ١٩٧٤: ٢٧٤/٢ و ٢٧٨). ابوغانم بشر بن غانم خراسانی (د حدود ٢٠٠) بر اساس آموزه های هفت تن از شاگردان ربيع کتابی مهم به نام «المدونة» تألیف نمود که غالب مطالب آن فتاوی ربيع است (حارثي، العقود الفضية في اصول الاباضيه، ١٤٠٣: ١٥٣ و ١٥٤).

ربيع بن حبيب در بصره امام اباضيه بود و با وی بيعت کردند. در دهه هشتم قرن دوم، زمانی که در مغرب اسلامی بر سر امامت عبدالوهاب بن عبدالرحمن رستمي اختلاف شد، او و مخالفان امامتش، ربيع را به حکمیت برگزیدند. نامه ربيع به آنان که در دفاع از جواز امامت عبدالوهاب نگاشته شده، حاوی نکات مهمی است که اندیشه ربيع را در باب امامت نشان می دهد. او هرگونه شرط گذاشتن از سوی دیگران برای امام را باطل می داند. دیگر آنکه وی به جواز امامت مفضول بر افضل قائل بوده و در اثبات آن به خلافت ابوبکر با وجود امام علی عليه السلام، زيد بن ثابت و معاذ بن جبل، احتجاج کرده است (درجینی، طبقات المشايخ بالمغرب، ١٩٧٤: ٥٥/١؛ حارثي، العقود الفضية في اصول الاباضيه، ١٤٠٣: ١٥٤ و ١٥٥؛ بارونی، الازهار الرياضية في ائمة و ملوک الاباضية، ٢٠٠٥: ١٥٣ و ١٦٠). ربيع بن حبيب در اين واقعه از مخالفان عبدالوهاب که او را «امير المؤمنین» می خواند، چون شعيب بن معروف و ابن فندین، تبری نمود و نقل شده که گفته است: عبدالوهاب امام ما و پیشوای پرهیزکار ما و امام تمام مسلمانان است (ابوزکریا، کتاب سير الائمة و اخبارهم، ١٤٠٢: ٩٦ و ٩٨).

استفتای امام عبدالوهاب بن عبدالرحمن رستمي که در تاهرت^[٢] مقيم بود از ربيع در باب حج و عمل به فتوای او نشان داد که ربيع بن حبيب به عنوان پیشوای فقهی اباضیان از مشرق تا مغرب پذیرفته شده بود. قضیه چنین بود که عبدالوهاب می ترسید که اگر به حج رود به دست بنی عباس گرفتار شود؛ بنابراین از ربيع بن حبيب و ابن عباد مصری استفتا نمود؛ ابن عباد در پاسخ حج را از وی ساقط دانست اما ربيع بن حبيب چنین فتوا داد که او باید شخصی را اجیر کند تا به جای وی حج به جا بیاورد و عبدالوهاب به فتوای ربيع عمل نمود؛ چون آن را موافق احتیاط می دانست (ابوزکریا، کتاب سير الائمة و



اخبارهم، ۱۴۰۲: ۱۱۴ و ۱۱۵). می‌توان گفت روابط حسنه و پایدار عبدالوهاب و ربیع، اباضیان مغرب و مشرق اسلامی را به هم پیوند می‌داد (ابن سلیمان، بدء الاسلام و شرائع الدین، ۱۴۰۶: ۱۱۰؛ درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، ۱۹۷۴: ۱/۶۵ و ۶۶؛ باجیه، الاباضیه بالجرید، ۱۹۷۶: ۷۱).

ب) مسند ربیع بن حبیب مهم‌ترین متن روایی اباضیه

مسند ربیع بن حبیب که «الجامع الصحیح» نیز نام دارد مهم‌ترین کتاب حدیث نزد اباضیه است و آن را صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌دانند (سالمی، تنبیهات، ۱۴۱۵: ۲؛ همو، ۱۴۲۶: ۲۴؛ معینی، تدوین حدیث در میان دیگر مذاهب اسلامی، ۱۳۸۰: ۶/۷۶۰؛ پاکتچی، ۱۳۹۶: ۲۳؛ ذیل مدخل «خوارج»). ربیع مهم‌ترین راوی ابو عبیده بوده (معینی، تدوین حدیث در میان دیگر مذاهب اسلامی، ۱۳۸۰: ۶/۷۶۰) و روایات ابو عبیده از طریق مسند ربیع قابل دسترسی است.

ربیع در این کتاب بیشتر روایات خود را از ابو عبیده از جابر بن زید از صحابه (از ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابوهریره، عایشه، علی بن ابی طالب رضی الله عنه و... و پیش از همه از ابن عباس) آورده است (حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه، ۱۴۰۳: ۱۴۹ و ۱۵۰). احادیث فقهی بیشتر از جابر بن زید از ابن عباس یا ابوهریره یا انس بن مالک نقل شده است (برای نمونه بنگرید: احادیث ش ۵۵۰ باب الحیض؛ ش ۳۹۵ تا ش ۴۴۸ کتاب الحجی). گفته شده که کتاب‌های جابر بن زید بعد از مرگش در اختیار ابو عبیده قرار گرفت و از طریق وی به ربیع بن حبیب منتقل شد (نامی، دراسات عن الاباضیه، ۲۰۰۱: ۷۹).

ابوصفرة عبدالملک بن صفرة ازدی عمانی، روایات ربیع از ضمام را جمع‌آوری کرده (سیابی‌سمائلی، ازالة الوعاء عن اتباع ابی الشعثاء، ۱۹۷۹: ۴۱) که در سال ۲۰۰۱ م به چاپ رسیده است (مزویو، الازدی، ابو عمرو الربیع بن حبیب، ۱۴۲۵: ۱/۵۰۷). وی کتاب مسند ربیع را نیز از هیثم بن عبدالغفار طائی بصری از ربیع روایت کرده است (البانی، سلسله الاحادیث الضعیفة والموضوعة و اثرها السیئ فی الامة، ۱۴۲۵: ۱۰۷/۱۳ و ۱۰۸؛ Sezgin, Fuat, 1967: 1/93؛ Francesca, 2005: 243).

مسند ربیع با ترتیب ابویعقوب یوسف بن ابراهیم ورجلانی (د ۵۷۰) (زرکلی، الاعلام، ۱۹۸۰: ۲۱۲/۸) شامل بر ۷۵۴ روایت است و در قاهره (برای نمونه در ۱۳۴۹ هـ ق) و مسقط (برای نمونه در صفر ۱۴۱۵ و در ۱۴۲۴) منتشر شده است. شایان ذکر است ورجلانی مطالبی به مسند ربیع افزوده مانند: احادیث و آثاری که ربیع به آن‌ها در برابر مخالفانش احتجاج کرده است (۱۴۲ روایت) یا روایات محبوب بن رحیل قرشی از ربیع (۱۵ روایت) یا احادیث مرسل جابر بن زید از پیامبر صلی الله علیه و آله (۸۴ روایت) (نامی، دراسات عن الاباضیه، ۲۰۰۱: ۱۲۹؛ حارثی، العقود الفضیه فی اصول الاباضیه،



۱۴۰۳: ۱۵۰؛ معینی، تدوین حدیث در میان دیگر مذهب اسلامی، ۱۳۸۰: ۶/۷۶۰. بر این کتاب، حواشی و شروحي نوشته شده است (سیابی سمائلی، ازالة الوعشاء عن اتباع ابي الشعثاء، ۱۹۷۹: ۴۱؛ قشار، اللمعة المرضیئة فی تاریخ الاباضیة، ۱۴۱۱: ۱۳ و ۱۴) که از میان آنان، حاشیه یا شرح ابوسته محمد بن عمر قصبی (د ۱۰۸۸) از علمای جربه تونس، شرح نورالدین ابومحمد عبدالله بن حمید سالمی (۱۲۸۶ - ۱۳۳۲) و شرح مفصل ابوعبدالله محمد بن عمر مغربی اباضی با عنوان حاشیه الترتیب فی الاحادیث النبویة المعزیة (چاپ شده در مسقط، ۱۴۰۲) اهمیت دارد (سالمی، اللمعة المرضیة من اشعة الاباضیة، ۱۴۲۶: ۲۴؛ تنوخی، «مسند الامام الربیع بن حبیب»، ۲۰۰۵: ۱۶۶؛ حارثی، العقود الفضیة فی اصول الاباضیة، ۱۴۰۳: ۱۵۶).

یکی از علمای اباضی به نام قشار (اللمعة المرضیئة فی تاریخ الاباضیة، ۱۳: ۱۴۱۱) ادعا نموده که رجال اسانید مسند ربیع، همگی نزد ما ثقة هستند و حتی نزد غیر ما و احادیشان در صحاح موجود است و در زمانی نزدیک به دوران صحابه و تابعیان می زیسته اند؛ اما این ادعا چندان درست به نظر نمی رسد؛ زیرا ربیع گاهی به واسطه شیوخی از جابر نقل می کند که شناخته شده نیستند و حتی خود ربیع تصریح کرده کسی را ندیدم که آنان را بشناسد (ضیایی، معجم مصادر الاباضیة، ۱۴۲۴: ۱۸؛ ضیایی، تاریخ اباضیة، ۱۳۹۸: ۷۸/۱ - ۷۹). به نوشته ابراهیم عبدالعزیز بدوی (دور المدرسة الاباضیة فی الفقه الاسلامی، ۱۴۱۳: ۷۴) از مدرسان فقه مقارن در الازهر، متقدمان اباضیة به مسند ربیع بن حبیب، اعتماد کلی داشتند اما محدثان اباضی در قرن دهم به بررسی اسانید و متون تمام روایات اباضیة و از آن جمله مسند ربیع پرداختند.

۱- مروری اجمالی بر محتوای مسند ربیع

کتاب مسند ربیع تقریباً تمام باب های حدیثی را شامل می شود و از «باب فی النیة» آغاز می شود. هر باب احادیث اندکی دارد (معمولاً بین سه تا ۵ حدیث). بیشتر احادیث این کتاب با احادیث اهل تسنن هم پوشانی دارند و کمتر پیش می آید که حدیثی از آن در کتب اهل تسنن نباشد. برای نمونه حدیث: «عَلِمُوا اَوْلَادَكُمْ الْقُرْآنَ، فَانَّهُ اَوَّلُ مَا يَنْبَغِي اَنْ يَتَّعَلِمَ مِنْ عِلْمِ اللّٰهِ هُوَ» (ربیع بن حبیب، مسند، ۱۴۲۴: ۲۶) که در منابع روایی اهل تسنن و شیعه نیز یافت نشد.

بیشتر احادیث از نظر محتوایی چندان محل اختلاف نیستند و بعضاً از احادیث مشهور فریقین هستند؛ مانند: کیفیت نزول وحی، اذکار رکوع و سجود و حدیث جست و جوی دانش اگرچه در کشور چین باشد (ربیع بن حبیب، مسند، ۱۴۲۴: ۲۶ و ۳۳ و ۱۱۴). در مقابل احادیثی دیده می شوند که مؤیدی از کتب اهل تسنن دارند ولی در آثار امامیه یافت نمی شوند که این مسئله با توجه به منتهی شدن



اسانید اباضیه به صحابه در برابر منتهی شدن اسانید امامیه به امامان اهل بیت علیهم السلام، عجیب نیست؛ مانند روایتی که نمازهای پنج‌گانه، روزه ماه رمضان و پرداخت زکات را برای رستگاری مسلمان کافی می‌داند (ربیع بن حبیب، مسند، ۱۴۲۴: ۴۷ و ۴۸) که در صحیحین آمده است (بخاری، صحیح، ۱۴۰۱: ۱۶/۱ و ۱۷؛ مسلم نیشابوری، صحیح، بی تا، ۳۱/۱ و ۳۲)؛ اما در منابع روایی امامیه، شاهد ندارد.

از مهم‌ترین روایات کتاب مسند ربیع که مطابق با روایات اهل تسنن است، می‌توان به حدیث صلاة ابی بکر اشاره کرد (ربیع بن حبیب، مسند، ق ۱۴۲۴: ۱۰۷) که از مستندات اهل تسنن در مشروعیت خلافت ابوبکر است اما امامیه با اصل تعیین ابوبکر به امامت نماز از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله در اواخر عمر آن حضرت مخالف هستند (مفید، الافصاح، ۱۴۱۴: ۲۰۱ - ۲۰۷؛ عسکری، صلاة ابی بکر، سراسر کتاب؛ حسینی میلانی، صلاة ابی بکر فی مرض النبی صلی الله علیه و آله، سراسر کتاب) و نیز روایاتی درباره ثواب فراوان روزه عاشورا (ربیع بن حبیب، مسند، ۱۴۲۴: ۱۴۳ و ۱۴۴) که در منابع روایی امامیه روایاتی مخالف آن دیده می‌شود (برای نمونه کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴۶/۴ و ۱۴۷) و فقهای شیعه روزه آن را مکروه شمرده‌اند (طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ۱۴۱۷: ۶۶۰/۳؛ بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ۱۳۸۶: ۹۷۶/۱؛ صوم عاشوراء بین السنة النبویة والبدعة الامویة، سراسر کتاب).

اینکه برخی اباضیه را نزدیک‌ترین فرقه خوارج به اهل تسنن دانسته‌اند (جلالی مقدم، «اباضیه»، ۱۳۶۷: ۳۰۹/۲)، بی‌جهت نیست و می‌تواند ناظر به روایاتی چون روایت‌های فوق آنان باشد اما باید توجه داشت که چنان‌که پیش از این آمد، در همین مسند ربیع از برخی صحابه مورد توجه امامیه بارها روایت شده است؛ به‌عنوان نمونه: از امام علی علیه السلام (ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۳۱۲ - ۳۱۶) و به‌ویژه از عبدالله بن عباس (بیش از سایر صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله). قبلاً اشاره شد که ورجلانی مطالبی به مسند ربیع افزوده مثلاً احادیث و آثاری که ربیع به آن‌ها در برابر مخالفانش احتجاج کرده است. جالب اینکه در همین بخش، دو روایت از ربیع در تأیید تقیه و بیان جواز آن آمده که اولی با اسناد از ابوعبیده از جابر بن زید از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و دومی با همان اسناد و موقوف به ابن مسعود است (ورجلانی، کتاب الترتیب فی الصحیح من حدیث الرسول صلی الله علیه و آله، ۱۴۲۴: ۳۴۸ - ۳۴۹).

ذکر این نکته بایسته است که محدثان فریقین به شیوخ گوناگون دسترسی داشتند و تحریر کامل روایات را در کتاب خود درج می‌کردند؛ اما ربیع به جهت اباضی بودن و نقل روایات با طرق رایج بین اباضیه، نسبت به محدثانی چون کلینی و طبرانی با مشایخ کمتری در ارتباط بوده است؛ بنابراین برخی روایاتی که او نقل کرده، نسبت به نقل همان روایت در کتب اهل تسنن یا شیعه مختصرتر است. به‌طور مثال، حدیث نیت در مسند ربیع (۱۴۲۴: ۲۵) در همین حد است: «نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»؛ اما این حدیث نبوی در کافی



به صورت کامل تری روایت شده است: «نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنَبِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ» (كلینی، الكافی، ۱۴۰۷: ۸۴/۲) و تحریر مفصل تر اما متفاوتی از آن در المعجم الكبير آمده است: «نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَعَمَلُ الْمَنَافِقِ خَيْرٌ مِنْ نِيَّتِهِ وَكُلُّ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ فَإِذَا عَمَلَ الْمُؤْمِنُ وَأَشَارَ نَارَ فِي قَلْبِهِ نَوْرًا» (طبرانی، المعجم الكبير، ۱۴۰۵: ۱۸۵/۶ و ۱۸۶).

حدیث نبوی «المتحابون»، در مسند ربیع به نقل از ابوهریره چنین آمده است: «يَقُولُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْنِ الْمُتَحَابُونَ لَاجِلِي [در نسخه بدل: لجلالی]؟ الْيَوْمَ أَظْهَمَ فِي ظُلْمِي يَوْمَ لَا ظُلْمَ إِلَّا لِي ظِلِّي» (ربیع بن حبيب، مسند، ۱۴۲۴: ۵۳) و در منابع روایی اهل تسنن نیز به نقل از ابوهریره به همین صورت آمده است (مالک بن انس، الموطأ، ۱۴۰۶: ۹۵۲/۲؛ احمد بن حنبل، العلل و معرفة الرجال، ۱۴۰۸: ۳۳۸/۲ و ۳۷۰). برقی (المحاسن، بی تا: ۲۶۴/۱) و کلینی (الكافی، ۱۴۰۷: ۱۲۶/۲) روایت مفصل تری درباره «المتحابون» به نقل از امام سجاد علیه السلام و بدون اسناد به رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده اند: «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ قَامَ مُنَادٍ يَنَادِي بِصَوْتٍ يَسْمَعُ النَّيَاسُ فَيَقُولُ أَيْنَ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ عُتْقُ مِنَ النَّيَاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ أَذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ قَالَ فَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ إِلَيْ أَيْنَ فَيَقُولُونَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ قَالَ فَيَقُولُونَ أَيْ حِزْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّيَاسِ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ قَالُوا وَ أَيْ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالُوا كُنَّا نُحِبِّي فِي اللَّهِ وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ نَعَمْ أَجْرُ الْعَامِلِينَ».

۲- بررسی ادعای جعلی بودن مسند ربیع

محمد ناصرالدین البانی بر اصالت و اعتبار مسند ربیع بن حبيب بسیار تاخته و حتی از آن با لفظ کَشْكُولُ یاد کرده است (البانی، سلسله الاحادیث الضعیفة والموضوعة و اثرها السیئ فی الامة، ۱۴۲۵: ۱۰۵/۱۳، ۱۱۳، ۷۲۸ و ۷۳۴). خالد بن عبدالرحمن بن زکی مصری نیز در کتاب تحذیر المسلمین عن مسند الربیع چنین نوشته که حتی اگر فرض بگیریم ربیع ثقة بوده و نسبت کتاب به او ثابت است کلا ۳۵ حدیث از این کتاب را می توان معتبر دانست (مصری، تحذیر المسلمین عن مسند الربیع، ۲۰۰۹: ۳۹۸) اما این فروض مورد قبول وی نیست و حتی اشاره کرده که در زمان دولت رستمیان که اباضی بودند، این مسند کجا بوده؟ و این را شاهی بر جعلی بودن کتاب دانسته است (مصری، تحذیر المسلمین عن مسند الربیع، ۲۰۰۹: ۳۹۹). درباره این نظر وی که در بهترین حالت، ۳۵ حدیث از کتاب ربیع را می توان معتبر دانست، توجه به این نکته لازم است که اساساً علم رجال یک علم درون مذهبی است و با این نگاه، هر کتاب دیگر از غیر اهل تسنن هم بررسی شود، نتیجه همین یا بدتر از این خواهد شد و به طور مثال، اگر یک شیعه امامی نیز با سنجه دانش رجال امامیه، سراغ صحیح بخاری برود، با فرض محرز دانستن وثاقت بخاری، تعداد روایات صحیح کتاب وی از نظر آن شیعه ممکن است به عدد ۳۵ هم نرسد.



در آثار برخی از معاصران اهل تسنن، تصریح شده که اصلاً خود ربیع بن حبیب وجود تاریخی ندارد و بنابراین کتاب مسند وی جعلی است. یکی از دلایل آنان این است که نام ربیع در آثار نگاشته شده پیش از سال ۱۰۰۰ یافت نمی‌شود و دیگر آن که ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه که شیخ ربیع است مانند خود او مجهول و ناشناخته است و همین طور مرتب‌کننده کتاب مسند ربیع یعنی ورجلانی (ابراهیم، خلاف أهل السنة والجماعة مع الإباضية، ۱۴۲۴: ۴۵ و ۴۶؛ مناظرة...، بی‌تا، ۳ و ۷). اما برخلاف نظر آنان چنان‌که آمد در کتب اباضیه که به دست مؤلفانی چون ابو غانم بشر بن غانم خراسانی (د حدود ۲۰۰)، ابن سلیم (م ۲۷۳)، ابوزکریا (زنده در ۴۷۱)، درجینی (د ۶۲۶) و شماخی (د ۹۲۸) که همگی پیش از سال ۱۰۰۰ می‌زیسته‌اند، اخبار ربیع و ابو عبیده آمده است (مناظرة...، بی‌تا، ۱۰).

درباره دیگر ادعای مصری درباره ناشناخته بودن مسند ربیع بن حبیب نزد دولت رستمیان نیز می‌توان چنین گفت که این دولت از سال ۱۶۰ تا ۲۹۶ بر مغرب میانه و بخش‌هایی از مغرب ادنی حاکم بوده (فرهمند، ۱۳۹۳: ۱۹/۷۸۳) و اگر چنان‌که پیش از این آمد، بپذیریم که تدوین روایات ربیع بن حبیب در قالب این مسند را ابوصفرة عبدالملک بن صفرة از دی عمانی در عمان انجام داده، چنان‌که وی روایات ربیع از ضمام را نیز در قالب کتابی دیگر جمع‌آوری کرده است، با توجه به وفات ربیع در حدود ۱۷۵ و وجود یک واسطه بین ابوصفیره و ربیع یعنی هیشم بن عبدالغفار طائی بصری، احتمالاً این مسند در حدود اواسط قرن سوم به صورت یک کتاب مدون در آمده باشد و می‌توان چنین گفت که با توجه به بُعد فاصله عمان تا مغرب، در زمان دولت رستمیان به آنجا نرسیده است. به علاوه تدوین روایات یک شیخ در قالب یک کتاب توسط شاگرد یا شاگرد شاگرد وی را نمی‌توان مصداق جعل دانست؛ زیرا تدوین احادیث یک محدث توسط نسل بعد یا نسل‌های بعد در بین فریقین امر غریبی نیست و برای نمونه می‌توان به نقش عبدالله بن احمد بن حنبل در تدوین مسند احمد بن حنبل (عامر حسن صبری، زوائد عبدالله بن احمد بن حنبل فی المسند، ۱۴۱۰: ۵ و ۶) و نقش ابوعلی طوسی در تدوین امالی ابوجعفر طوسی اشاره کرد (معارف و قاسمی حامد، «شیخ طوسی و کتاب الامالی»، ۱۳۸۹: ۱۰ و ۱۱).

این اشکال البانی را که در منابع حدیثی و رجالی اهل تسنن اصلاً از ربیع بن حبیب یاد نشده و مسندش سرشار از احادیث واهی و منکر است (البانی، سلسله الاحادیث الضعیفة والموضوعة و اثرها السیئ فی الامة، ۱۴۲۱: ۶/۳۰۴)، می‌توان چنین پاسخ داد که مشایخ متقدم مذهبی چون اباضیه که به خوارج منتسب بودند و از این رو مغضوب و مطرود سنی و شیعه بودند، در شرایطی می‌زیستند که عدم توجه منابع اهل تسنن به آنان چندان عجیب نیست (ضیایی، تاریخ اباضیه، ۱۳۹۸: ۸۰/۱). به علاوه اینکه روایات اباضیه از نظر البانی واهی و منکر باشد هم، عجیب نیست؛ خصوصاً وقتی دقت کنیم که او



چهارده مجلد «سلسلة الاحاديث الضعيفة والموضوعة» نوشته و حکم به منکر بودن یا مجعول بودن بسیاری از روایات منابع معروف اهل تسنن کرده است (البانی، سلسلة الاحاديث الضعيفة والموضوعة و اثرها السيئ في الامة، ۱۴۱۲: ۱۱۶/۱، ۵۲۴؛ همان، ۱۴۰۸: ۳/۶۰ و ۷۴ و ۳۱۵) تا چه رسد به احادیث اباضیه. علاوه بر این چنان که خود البانی هم در جای دیگر از کتابش اشاره کرده (۱۴۲۵: ۱۳/۱۰۷ و ۱۰۸)، در برخی کتب متقدم غیر اباضی نیز به اسناد ربیع بن حبیب از ضمام از جابر بن زید اشاره شده است (احمد بن حنبل، العلل و معرفة الرجال، ۱۴۰۸: ۲/۵۶؛ عقیلی، کتاب الضعفاء الكبير، ۱۴۱۸: ۴/۳۵۸). در مسند ربیع سه روایت از وی از ضمام نقل شده (ربیع بن حبیب، مسند، ۱۴۲۴: ۶۸ و ۶۹، ۲۳۷ و ۳۰۷) که دو مورد اخیر همین اسناد ربیع بن حبیب از ضمام از جابر بن زید است.

اباضیه پژوه ایتالیایی، فرانچسکا (Francesca, 1998: 39 - 59) نیز درباره اصالت روایات منسوب به ربیع بن حبیب تردید کرده و گفته است احتمالاً مطالب منسوب به ربیع را بعدها برخی فقیهان اباضی تدوین کرده اند. به نظر می رسد این دیدگاه یا ریشه در بدبینی شرق شناسانه نسبت به اصالت احادیث مسلمانان دارد (گروه قرآن و حدیث بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، «دین پژوهی در غرب»، ۷۷۳/۱۲ - ۷۷۹) یا برگرفته از نگاه برخی اهل تسنن است که از آن ها پیش از این یاد شد. شاید ادعای مجعول بودن مسند ربیع اساساً قابل اثبات نباشد زیرا چه دلیلی داشته که مشایخ بعدی اباضیه عمده روایات رایج در بین اباضیه را به شخص واحدی نسبت دهند؟ جز اینکه همین شخص، نقش اصلی را در انتقال میراث روایی سلف اباضیه به نسل های بعدی بر عهده داشته است.

نتیجه گیری

کتاب ربیع بن حبیب مهم ترین کتاب حدیثی مذهب اباضیه است که برخی از باب های گوناگون فقهی، اعتقادی و تفسیری را در بر می گیرد و با اینکه غالب محتوای آن نزدیک به روایات اهل تسنن یا گاهی کاملاً منطبق با روایات آنان است اما بیش از همه، برخی از اهل تسنن با این کتاب مخالفت کرده اند. البته در مسند ربیع از برخی صحابه مورد توجه امامیه بارها روایت شده است؛ مثلاً از امام علی (علیه السلام) و از عبدالله بن عباس و در پژوهشی مستقل می توان میزان قرابت روایات این کتاب یا حداقل بخش هایی از آن با روایات امامیه را نشان داد.

ادعای وجود نداشتن ربیع بن حبیب که توسط برخی از اهل تسنن مطرح شده، مردود است؛ زیرا چنان که گذشت در کتب اباضیه که به دست مؤلفانی چون ابوغانم خراسانی (م حدود ۲۰۰)، ابن سلیمان (م ۲۷۳)، ابوزکریا (زنده در ۴۷۱)، درجینی (د ۶۲۶) و شماخی (د ۹۲۸) اخبار ربیع و شیخش



ابوعبیده آمده که حاکی از استمرار توجه به ربیع بن حبیب در بین اباضیه است. به‌علاوه در برخی کتب متقدم غیر اباضی نیز به اسناد ربیع بن حبیب از ضمام از جابر بن زید اشاره شده است. ادعای مجعول و بی‌اساس بودن مسند وی نیز به‌راحتی قابل اثبات نیست زیرا شواهد نشان می‌دهد که ابوصفرة عبدالملک بن صفرة ازدی عمانی که دو طبقه بعد از ربیع بوده، روایات هیثم بن عبدالغفار طائی بصری از ربیع از ابوعبیده مسلم بن ابی‌کریمه تمیمی را به انضمام برخی روایت دیگر ربیع، در قالب کتاب مسند ربیع بن حبیب تدوین کرده است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] وی احتمالاً اصالتاً ایرانی و مولای بنی تمیم بوده است؛ نک. Lewicki, 1998, vol. 3, p. 649.

[۲] شهری در الجزایر که که مرکز دولت رستمیان اباضی مذهب بود؛ نک. تالبی، ۱۳۸۰ش، «تاهرت»، در: دانشنامه جهان اسلام، ۶/ ۳۳۸ و ۳۴۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. ابراهيم، خويلد، خلاف أهل السنة و الجماعة مع الإباضية، بی نا، بی جا، ۱۴۳۰ق.
۲. ابن سلیام، اباضی، بدء الاسلام و شرائع الدين، به کوشش: قیرنر شقارتس و سالم بن یعقوب، بیروت: ۱۴۰۶ق.
۳. ابوزکریا ورجلانی، یحیی بن ابی بکر، سیر الائمة و اخبارهم، به کوشش اسماعیل عربی، بی جا، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۲ق.
۴. احمد بن حنبل، العلل و معرفة الرجال، به کوشش: وصی الله بن محمد عباس، ریاض: بی نا، ۱۴۰۸ق.
۵. ایازی، سید محمدعلی، «تفاسیر اباضیه»، مجله بینات، ش ۷، ۱۳۷۴ش.
۶. باجیه، صالح، الاباضیه بالجريد، به کوشش علی شابی، تونس، ۱۹۷۶م.
۷. بارونی، سلیمان باشا، الازهار الرياضیة فی ائمة وملوک الاباضیة، به کوشش محمدعلی صلیبی، لندن: بی نا، ۲۰۰۵م.
۸. البانی، محمد ناصرالدین، سلسله الاحادیث الضعیفة والموضوعة و اثرها السیئ فی الامة، ریاض: مكتبة المعارف، ج ۱، ۱۴۱۲ق؛ ج ۳، ۱۴۰۸ق؛ ج ۶، ۱۴۲۱ق؛ ج ۱۳، ۱۴۲۵ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، استانبول: دارالطباعة العامرة، بیروت: چاپ افست دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۰. بدوی، ابراهیم بن عبدالعزیز، «دور المدرسة الاباضیة فی الفقه الاسلامی»، به کوشش: محمد صالح ناصر، مکانة الاباضیة فی الحضارة الاسلامیة، قاهره: مكتبة الاستقامة، ۱۴۱۳ق.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
۱۲. بنی هاشمی خمینی، سید محمدحسن، توضیح المسائل مراجع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۱۳. پاکتچی، احمد، «خوارج»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد بیست و سوم، ۱۳۹۶ش.
۱۴. تالبی، محمد، «تاهرت»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، جلد ششم، ۱۳۸۰ش.



۱۵. تنوخی، عزالدین، «مسند الامام الربیع بن حبیب»، به کوشش: محمد صالح ناصر، مکانة الاباضیة فی الحضارة الاسلامیة، قاهره: مكتبة الاستقامة، ۱۴۱۳ق.
۱۶. جابر سهیل، عید، الاباضیة فی الخلیج العربی فی القرنین الثالث و الرابع الهجرین، مسقط، بی نا، ۱۴۱۸ق.
۱۷. جعبیری، فرحات، البعد الحضاری للعقیده الاباضیة، قاهره: مكتبة الاستقامة، ۱۴۲۵ق.
۱۸. جعفر طیاری، مصطفی، شبانی، محمدعلی، «بررسی و نقد مهم ترین عقاید اباضیه و مقایسه آن با عقاید امامیه»، هفت آسمان، ش ۷۱، ۱۳۹۵ش.
۱۹. جلالی مقدم، مسعود، «اباضیه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، ۱۳۶۷ش.
۲۰. حارثی، سالم بن حمد بن سلیمان، العقود الفضیة فی اصول الاباضیة، عمان، بی نا، ۱۴۰۳ق
۲۱. حسینی میلانی، سید علی، صلاة ابی بکر فی مرض النبی ﷺ، قم: مرکز الحقائق الاسلامیة، ۱۴۲۷ق.
۲۲. خلیفات، عوض محمد، نشأة الحركة الاباضیة، عمان، بی نا، ۱۹۷۸م.
۲۳. درجینی، ابوالعباس احمد بن سعید، طبقات المشایخ بالمغرب، بی جا، چاپ ابراهیم طلائی، ۱۹۷۴م.
۲۴. ربیع بن حبیب بصری، الجامع الصحیح مسند، به کوشش ابواسحاق ابراهیم اطفیش، قاهره، بی نا، ۱۳۴۹ق.
۲۵. ربیع بن حبیب بصری، الجامع الصحیح مسند، به کوشش: ورجلانی، یوسف بن ابراهیم، کتاب الترتیب فی الصحیح من حدیث الرسول ﷺ، مسقط: مكتبة مسقط، ۱۴۲۴ق.
۲۶. ربیع بن حبیب بصری، الجامع الصحیح مسند، مسقط: چاپ عبدالله بن حمید سالمی وسعود بن عبدالله بن محمد وهیبی، ۱۴۱۵ق.
۲۷. روحی، علیرضا، غفرانی، علی، «نقش و جایگاه فکری و سیاسی نُکیار در میان خوارج شمال آفریقا»، مطالعات تاریخی جهان اسلام، ش ۱۲، ۱۳۹۷ش.
۲۸. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۲۹. سالمی، نورالدین عبدالله بن حمید، اللمعة المرضیة من اشعة الاباضیة، به کوشش: سلطان بن مبارک شیبانی، عمان، بی نا، ۱۴۲۶ق.



۳۰. سالمی، نورالدین عبدالله بن حمید، تنبیہات، در: ربیع بن حبیب بصری، الجامع الصحیح مسند، به کوشش عبدالله بن حمید سالمی و سعود بن عبدالله بن محمد وهیبی، مسقط، بی‌نا، ۱۴۱۵ق.
۳۱. سیابی سمائلی، سالم بن حمود بن شامس، ازالة الوعشاء عن اتباع ابی الشعشاء، به کوشش سیده اسماعیل کاشف، عمان، بی‌نا، ۱۹۷۹م.
۳۲. شماخی، احمد بن سعید بن عبدالواحد، کتاب السیر، به کوشش احمد بن سعود سیابی، عمان، بی‌نا، ۱۴۰۷ق.
۳۳. ضیایی، علی اکبر، اعتقادات اباضیه، قم: امین، ۱۳۹۸ش.
۳۴. ضیایی، علی اکبر، تاریخ اباضیه، قم: امین، ۱۳۹۸ش.
۳۵. ضیایی، علی اکبر، معجم مصادر الاباضیه، تهران: ۱۴۲۴ق.
۳۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی ۱۴۱۷ق.
۳۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۳۸. طبسی، نجم الدین، صوم عاشوراء بین السنة النبویة و البدعة الامویة، قم: منشورات العهد، ۱۴۲۲ق.
۳۹. عامر حسن صبری، زوائد عبدالله بن احمد بن حنبل فی المسند، بیروت: دارالبشائر الاسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۴۰. عرب، محمد، آشنایی با مذهب اباضی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ش.
۴۱. عسکری، سید مرتضی، صلاة ابی بکر، قم: کلیة اصول الدین، ۱۴۱۸ق.
۴۲. عقیلی، ابوجعفر محمد بن عمرو، کتاب الضعفاء الكبير، به کوشش عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، بی‌نا، ۱۴۱۸ق.
۴۳. فرهمند، یونس، «رستمیان»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۴۴. قاسمی، ابراهیم، اسفندیاری اسلامی، رضا، «تجدید بنای پایه‌های نظری فقه اباضیه در دوره معاصر»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، ش ۲، ۱۳۹۸ش.



۴۵. قتیبه، مریم بنت سعید بن علی، نظرات حول المذهب الاباضی، به کوشش: مبارک بن عبدالله راشدی، عمان: السیب، ۱۴۱۲ق.
۴۶. قشار، بالحاج بن عدون، اللمعة المرضیئة فی تاریخ الاباضیة، عمان: السیب، ۱۴۱۱ق.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۸. گروه قرآن و حدیث بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، «حدیث پژوهی در غرب»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۴۹. مالک بن انس، الموطأ، به کوشش: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۵۰. مزیو، حسن، «الازدی، ابوعمرو الربیع بن حبیب»، موسوعة اعلام العلماء والادباء العرب والمسلمین، زیر نظر منجی بوسنیة، تونس: المنظمة العربیة للتربیة والثقافة والعلوم، ۱۴۲۵ق.
۵۱. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر. بی تا.
۵۲. مصری، خالد بن عبدالرحمن بن زکی تحذیر المسلمین من مسند الربیع، بی نا، دارالحدیث و الاثر للنشر والتوزیع، ۲۰۰۹م.
۵۳. معارف، مجید، قاسمی حامد، مرتضی، «شیخ طوسی و کتاب الامالی»، منهج، ش ۱۱، ۱۳۸۹ش.
۵۴. معینی، محسن، «تدوین حدیث در میان دیگر مذهب اسلامی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، جلدششم، ۱۳۸۰ش.
۵۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الافصاح فی امامة امیر المؤمنین (علیه السلام)، بیروت: دار المفید. ۱۴۱۴ق.
۵۶. ملک مکان، حمید، «امامت و حکومت از منظر اباضیه»، هفت آسمان، ش ۲۶، ۱۳۸۴ش.
۵۷. مناظره بین الشیخ سعد بن عبدالله بن عبدالعزیز الحمید والظافر الإباضی حول مسند الإمام الربیع بن حبیب، بی تا، بی جا، بی نا، در: <https://dawa.center/file/1743>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۷/۲.
۵۸. نامی، عمرو بن خلیفه، دراسات عن الاباضیة، ترجمه: میخائیل خوری، بیروت، بی نا، ۲۰۰۱م.
۵۹. هاشم، مهدی طالب، الحركة الاباضیة فی المشرق العربی، بی جا، دارالاتحاد العربی، ۱۴۰۱ق.



60. Francesca, Ersilia, "Early Ibādī Jurisprudence: Sources & Case Law" In: Jerusalem Studies in Arabic and Islam, Vol. 30. 2005.
61. Idem, "La fabbricazione degli isnād nella scuola ibā'ita: il Musnad di ar-Rabī' b. Habīb," Law, Christianity and Modernism in Islamic Society: Proceedings of U.E.A.I. 18th Congress, ed. U.Vermeulen and J.M.F Van Reeth, Leuven: Uitgeverij Peeters. 1998.
62. Lewicki, T., "Al-Ibadiyya", in: EI², vol. 3, pp. 648 - 660, 1998
63. Sezgin, Fuat, Geschichte des Arabischen Schrifttums, Leiden: Brill. 1967.

